

مقاله
(۱)

تاملی در مصوبات جدید بین المللی مربوط به جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر

محمدحسن ضیائی فر

حتی بسیار دیده شده که نخبگان جامعه از مفاد اسناد خبر ندارند و اشتیاق چندانی نیز برای بررسی محتوایی از خود نشان نمی دهند. بررسی علل و انگیزه های این عدم تحرک، وازدگی و عدم اشتیاق برای ورود فنی صاحب نظران حقوقی در این مقوله و نقش دستگاه های رسمی و برخی محافل در استمرار این وضعیت، خود مطلب بسیار مهمی است که خارج از حیطه نوشتار کوتاه فعلی است ولی یادآوری آن محرکی شد تا چند سطر حاضر تقدیم شود

چه بگویم که ترانازکی طبع لطیف تا به حدی است که آهسته دعا نتوان کرد! اشاره:

بیش از ۱۵ سال قبل یکی از دوستان روحانی که اتفاقاً تحصیل کرده حقوق بین الملل هستند و مدتی در همان سالها مسئولیت فرهنگی در اتیوپی داشتند برایم نقل کردند که در مراجعه ای به دانشکده حقوق آدیس آبابا در کمال تعجب ملاحظه کرده اند که قطعنامه های حقوق بشر مربوط به کشورهای مختلف از جمله ایران در جلسات شبیه سازی شده همانند صحن مجامع بین المللی، مورد بحث و بررسی جدی دانشجویان و حقوقدانان قرار داشته است. از آن زمان سالهای زیادی می گذرد. یادآوری این موضوع، البته افسوس عمیق در پی دارد چرا که پس از گذشت این همه سال و در حالی که در کشور عزیز و پهناور ما هم اینک در خیلی از استانها مقطع کارشناسی ارشد حقوق در دانشگاهها وجود دارد و در چند دانشکده بطور خاص کارشناسی ارشد حقوق بشر و حقوق بین الملل و حقوق عمومی داریم و در رشته های سیاسی و روابط بین الملل نیز درس سازمانهای بین المللی در مقاطع لیسانس تا دکترا وجود دارد ولی کمتر دیده می شود که در مراکز علمی کشور ما این اسناد مخصوصاً آنچه به کشور خود ما مربوط می شود، مورد نقد و ارزیابی جدی محافل تخصصی قرار گیرند و حاصل بررسی ها در سطح عموم جامعه با شفافیت مطرح شوند و یا توصیه های کارشناسی دقیقی به دست اندرکاران امور ارائه شود. حتی بسیار دیده شده که نخبگان جامعه از مفاد اسناد خبر ندارند و اشتیاق چندانی نیز برای بررسی محتوایی از خود نشان نمی دهند. بررسی علل و انگیزه های این عدم تحرک، وازدگی و عدم اشتیاق برای ورود فنی صاحب نظران حقوقی در این مقوله و نقش دستگاه های رسمی و برخی محافل در استمرار این وضعیت، خود مطلب بسیار مهمی است که خارج از حیطه نوشتار کوتاه فعلی است ولی یادآوری آن محرکی شد تا

چند سطر حاضر تقدیم شود. به این امید که متفکرین حقوقی کشور خصوصا اساتید گرانقدر حقوق بین الملل و حقوق عمومی عنایت بیشتر برای ارتقاء دانش حقوقی در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهند و با سخاوت علمی همیشگی اش وضعیت فعلی را متحول سازند. قبل از ورود در بحث، یادآوری نکته ای ضروری است و آن اینکه روند تصویب قطعنامه های مختلف مجامع بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران که از سالهای آغازین انقلاب اسلامی تاکنون بطور مستمر و هر ساله و یا با وقفه یکی دو ساله ادامه یافته است، از حیث مرجع صادر کننده سند، بانیان و حامیان و رای دهندگان مثبت و منفی، محتوا و مضمون حقوقی سند، واکنش های حقوقی مسئولین جمهوری اسلامی ایران و آثار متنوع حقوقی، سیاسی، اقتصادی، رسانه ای و ... در داخل و خارج کشور دارای بحث های ظریف و نکات نظری و کاربردی مختلفی است که بی شک برای درک ابعاد تحولات جدید، اطلاع و وقوف بر پیشینه مربوطه لازم است. مرور فشرده حاضر با مفروض انگاشتن اینکه مخاطبین محترم از پیشینه مربوطه مطلع هستند صرفا به تحولاتی که طی هفته های اخیر در مجامع بین الدولی منطقه ای و جهانی بوقوع پیوسته می پردازد و در تحلیل و ارزیابی مربوطه، جدای از طرح برخی جنبه های نظری، به حسب ضرورت، نیم نگاهی به برخی داده های عملی و واقعیاتی که حقیر طی قریب به دو دهه گذشته در صحنه تحولات تلخ و شیرین مرتبط با موضوع نوشتار، بارها مشاهده و لمس نموده ام و به نظر اشاره به آنها در تامل و تفکر راهبردی مربوط به موضوع مفید می باشد، نیز دارد.

بخش اول: توصیف فشرده تحولات جدید

۱- شورای حقوق بشر به عنوان ساز و کار جدید جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل عمر چندانی از آن نگذشته است یعنی به طور دقیق به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل در مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ شکل گیری آن قطعی گردید. (۱) و در مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ (۲۹ خرداد ۸۵) نیز مراسم افتتاحیه رسمی آن انجام شد (۲). نهاد مزبور طی چند ماهه گذشته سه نشست ادواری و چهار نشست ویژه (۳) برگزار کرده و در بخشی از فعالیتهایش برابر روال گذشته کمیسیون حقوق بشر در چارچوب دستور کارهای شناخته شده موضوعات حقوق بشری را بررسی نموده و در بخشی نیز فرآیند جدیدی را آغاز نموده یا مباحث مربوط به نحوه شکل گیری فرآیند جدید در چارچوب صلاحیتهایی که به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ شورای حقوق بشر تعیین شده است، به طور جدی جریان پیدا کرده که نتایج آن در ماههای آتی خود را نشان می دهد و مجموعا حاوی نکات فنی متعددی است که طرح آنها خارج از حیطه نوشتار فعلی است. صرفا جهت انعکاس تصویری قابل درک از فعل و انفعالات در نهاد مزبور، علاوه بر اشارات فوق الذکر، یادآوری می نماید که از جمله اقداماتی که در شورای حقوق بشر همانند کمیسیون حقوق بشر البته در بستری توأم با مباحث جدید و در گستره فعالیت به طور نسبی متفاوت مطرح گردیده وضعیت حقوق بشر در سطح داخلی کشورهاست. بررسی مزبور یا به شکل علنی در صحن شورای حقوق بشر و در چارچوب دستور کار موضوعی به طور علنی مطرح گردیده و یا همانند گذشته در چارچوب رویه موسوم به ۱۵۰۳ به طور غیر علنی و در چارچوب حیطه کارکرد حقوقی رویه مزبور بررسی شده است (۴). موضوع وضعیت حقوق بشر در ایران از همان جلسه اول کاری شورای حقوق بشر در چارچوب رویه ۱۵۰۳ مطرح و محور مباحثات جمعی قرار گرفت که به دلیل غیر علنی بودن به طور طبیعی ادعاها و اتهامات وارده بازتاب های خبری و اطلاع رسانی پیدا نکرده است ولی آن گونه که برخی از شرکت کنندگان در جلسات شورای حقوق بشر نقل کرده اند طرح ادعاها و اتهامات علیه حاکمیت ایران کم نبوده و موارد متعددی مطرح شده است. صرفنظر از کم و کیف ادعاهای مزبور که به دلیل غیر علنی بودن و عدم انعکاس رسمی در اسناد منتشره سازمان ملل، بررسی آنها خارج از حیطه مرور فشرده فعلی است، توجه به چند نکته در بعد توصیفی موضوع مفید می باشد. اول

شورای حقوق بشر به عنوان ساز و کار جدید جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل شده و عمر چندانی از آن نگذشته است یعنی به طور دقیق به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل در مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ شکل گیری آن قطعی گردید

اینکه در روزهای آخر حیات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ و قبل از قطعنامه مجمع عمومی در ایجاد شورای حقوق بشر برخی از سازمانهای غیر دولتی بین المللی فعال در زمینه حقوق بشر برابر روال سالهای قبل در جلسات سالیانه کمیسیون حقوق بشر، گزارشات و بیانیه هایی را در زمره اسناد رسمی کمیسیون حقوق بشر منتشر کردند که جهت گیری هایی را علیه ایران دامن می زند به عنوان نمونه فدراسیون بین المللی حقوق بشر و لیگ سازمانهای حقوق بشر در سندی که به طور مشترک در اسناد رسمی اجلاس ۶۲ کمیسیون حقوق بشر ثبت کردند ادعاهایی را مطرح نمودند از جمله اینکه وضعیت حقوق بشر در ایران پس از انتخاب دولت جدید عقب گرد داشته و خود انتخابات ریاست جمهوری نیز برخلاف موازین بین المللی بوده است. سازمانهای مزبور هم چنین ذیل عناوین آزادی بیان، حقوق اقلیتها، مجازات اعدام مصادیق مختلفی را به شکل انتقادی مطرح کرده و در پایان خواستار این شده اند که مجدداً برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران گزارشگر ویژه تعیین شود، فعالان سیاسی زندانی آزاد شوند، مجازات های بدنی لغو گردد، تبعیض های علیه اقلیتها لغو شوند، مجازات اعدام فقط در موارد جرایم شدید اجرا و در مورد زیر ۱۸ ساله ها اصلاً اجرا نشود. همچنین تقاضا کرده اند که ایران به کنوانسیونهای منع شکنجه و رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ملحق شود و هر چه سریعتر گزارشات ادواری ایران در اجرای تعهدات بین المللی به کمیته های نظارتی میثاقین ارائه گردد (۵).

و اما مورد دوم اینکه امسال اگر چه به جای کمیسیون حقوق بشر شورای حقوق بشر شکل گرفت ولی این تحول مهم موجب نشد که کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر برچیده شود یا جلسه سالیانه خود که همواره در اواسط تابستان برگزار می شود را نداشته باشد (۶). در جلسه ماه اوت ۲۰۰۶ ذیل محور بررسی وضعیت نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی در همه کشورها مجدداً مشاهده شد که برخی سازمانهای غیر دولتی فعال در زمینه حقوق بشر طی سخنرانی ها و بیانیه های رسمی خود در مرجع مزبور به وضعیت حقوق بشر در ایران اشاره کرده و ادعاهایی را مطرح نمودند که در اسناد رسمی سازمان ملل بازتاب یافته است به عنوان نمونه فدراسیون بین المللی حقوق بشر که مقر آن در فرانسه است همچنین نماینده انجمن بین المللی حقوق بشر زنان و نماینده اتحادیه جهانی یهودی گری مترقی اتهاماتی را در مورد عملکرد حاکمیت ایران عنوان نموده اند (۷).

مورد سوم قابل ذکر اینکه در جلسات شورای تازه تاسیس حقوق بشر در سال جاری برابر روال سنوات گذشته، گزارشات ناظران ویژه در مورد کشورهایی که قبلاً برای نظارت خاص بر آنها ناظر تعیین گردیده ارائه شد و منجر به تصمیم گیری هایی گردید. کشورهای بلاروس، سومالی، کوبا، فلسطین اشغالی، کامبوج، هائیتی، کره شمالی، برونیدی، میانمار، کنگو، سودان، لیبیا و ازبکستان از جمله کشورهای مورد نظر بودند که به اصطلاح لیست سیاه عملکرد حقوق بشری را تشکیل می دهند (۸). وضعیت ایران اگر چه از بهار سال ۱۳۸۲ خارج از حیطه نظارت ویژه تحت نظر گزارشگر خاص خارج شده ولی در رویه ۱۵۰۳ که به طور غیر علنی وضعیت حقوق بشر هر کشور ارجاع شده بررسی می شود، ضمن جلسه اکتبر ۲۰۰۶ (مهر ماه ۸۵) وضعیت کشورهای ایران، قرقیزستان و ازبکستان بررسی شده است که در نهایت در مورد قرقیزستان تصمیم گرفته شده که بررسی وضعیت پرونده عملکرد حاکمیت کشور یاد شده تحت رویه ۱۵۰۳ مختومه شود (۹) ولی در مورد دو کشور دیگر چنین تصمیمی گرفته نشده که مفهوم آن استمرار بررسی ذیل رویه مزبور و احیاناً تحولات و اقدامات دیگر ممکن در چارچوب صلاحیتهای شورای حقوق بشر در آینده می باشد.

۲- مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان یکی از مهمترین ارکان سازمان مزبور که همه کشورهای عضو در آن حضور برابر دارند امسال نیز همانند سنوات گذشته در جلسات کاری سالیانه خود ابتدا در چارچوب کمیته سوم خود که به طور خاص به مباحث بشردوستانه و اجتماعی می پردازد موضوعات مختلف حقوق بشری را بررسی نمود و سپس مصوبات کمیته مزبور در

سازمانهای مزبور هم
چنین ذیل عناوین آزادی
بیان، حقوق اقلیتها،
مجازات اعدام مصادیق
مختلفی را به شکل
انتقادی مطرح کرده و در
پایان خواستار این شده اند
که مجدداً برای بررسی
وضعیت حقوق بشر در
ایران گزارشگر ویژه
تعیین شود، فعالان
سیاسی زندانی آزاد
شوند، مجازات های بدنی
لغو گردد، تبعیض های
علیه اقلیتها لغو شوند،
مجازات اعدام فقط در
موارد جرایم شدید اجرا و
در مورد زیر ۱۸ ساله ها
اصلاً اجرا نشود. همچنین
تقاضا کرده اند که ایران
به کنوانسیونهای منع
شکنجه و رفع همه اشکال
تبعیض علیه زنان و
اساسنامه دیوان کیفری
بین المللی ملحق شود و
هر چه سریعتر گزارشات
ادواری ایران در اجرای
تعهدات بین المللی به
کمیته های نظارتی
میثاقین ارائه گردد

کنار مصوبات دیگر کمیته های مجمع در جلسه اصلی مجمع به رای گذاشته شد. از جمله موضوعاتی که در کمیته سوم مجمع همانند سال قبل مطرح گردید پیشنهاد قطعنامه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بود که پس از مباحث زیاد منجر به تصویب قطعنامه پیشنهادی علیه ایران گردید و بعدا رای مثبت جلسه اصلی مجمع را نیز در پی داشت. برخی موارد مهم روند تحول مزبور و محتوای قطعنامه مربوطه به شرح زیر مورد اشاره قرار می گیرد:

از جمله موضوعاتی که در کمیته سوم مجمع همانند سال قبل مطرح گردید پیشنهاد قطعنامه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بود که پس از مباحث زیاد منجر به تصویب قطعنامه پیشنهادی علیه ایران گردید و بعدا رای مثبت جلسه اصلی مجمع را نیز در پی داشت

الف) روز ۲۱ نوامبر ۲۰۰۶ (۳۰ آبان ماه ۸۵) که برابر دستور کار کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل و بنا به پیشنهاد جمعی از کشورها قرار شد موضوع قطعنامه وضعیت حقوق بشر در ایران در کمیته مزبور مطرح شود ابتدا نماینده کوبا بیانیه ای را قرائت کرد که ضمن آن اشاره شده بود که اخیرا در کنفرانس روسای کشورهای عدم تعهد توافق گردیده که کشورهای عدم تعهد هنگام رای دهی به قطعنامه های راجع به کشورهای خاص به این امر توجه کنند که موضع جنبش عدم تعهد مخالفت با بهره برداری سیاسی و هدف قراردادن کشورهای خاص بر مبنای گزینشی می باشد. پس از موضع نماینده کوبا و سخنرانی واکنشی نماینده فنلاند، نماینده ایران تقاضا کرده که به استناد ماده ۱۱۶ آئین کار مجمع و با توجه به اینکه هفته قبل موضع اکثر کشورها مخالفت با قطعنامه های علیه کشورهای خاص بوده موضوع "عدم اقدام و مسکوت گذاشتن" قطعنامه پیشنهادی علیه ایران به رای گذاشته شود. پس از تقاضای مزبور رئیس جلسه به دو کشور موافق (پاکستان و اندونزی) و دو کشور مخالف (استرالیا و کانادا) اجازه اعلام نظر داده آنگاه تقاضای ایران به رای گذاشته شده است که ۷۷ کشور رای منفی داده ۷۵ کشور به نفع تقاضای رای داده و ۲۴ کشور نیز رای ممتنع می دهند (۱۰). پس از این تحول که در واقع به معنای تثبیت پیشنهاد قطعنامه محتوایی علیه ایران جهت رای گیری بوده است تعدادی از کشورها از جمله کانادا، سوئیس، مغرب، آذربایجان، مکزیک، سودان، بلاروس، مصر، کوبا، زیمبابوه، چین، میانمار، سوریه، ونزوئلا، ازبکستان، باربادوس هر یک صحبت کوتاهی در مورد موضع کشور خود اعم از موافق، مخالف یا ممتنع به قطعنامه پیشنهادی و دلایل اتخاذ موضع مورد نظر ارائه می نمایند و در پایان نماینده ایران اشاره می نماید که چنین قطعنامه هایی می تواند آینده همکاری ها را فرو ریزد. پس از این روند، قطعنامه پیشنهادی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به رای گذاشته می شود که از مجموع نمایندگان کشورهای حاضر در کمیته سوم ۷۰ کشور رای مثبت، ۴۸ کشور رای مخالف و ۵۵ کشور رای ممتنع می دهند (۱۱). چند هفته بعد برابر روال جاری در مجمع عمومی، قطعنامه مصوب علیه ایران در خود مجمع نیز به رای گذاشته می شود که مجددا نیز مورد تایید اکثریت قرار می گیرد (۱۲).

ب) در زمان دورای گیری مورد اشاره در کمیته سوم مجمع عمومی، بیانیه هایی از سوی کانادا به عنوان مهمترین بانی قطعنامه و اتحادیه اروپا قرائت شده که اشاره به ادعاهای مذکور در بیانیه های مزبور نیز حائز اهمیت می باشد. مثلا نماینده کانادا هنگامی که پیشنهاد ایران برای مسکوت گذاشتن بحث راجع به قطعنامه مطرح شده اعلام کرده که: "... هیچ یک از مسئولیتهای مجمع عمومی به اندازه مسئولیت این نهاد در قبال موارد برجسته نقض حقوق بشر نیست. هیچ کشوری دارای حاشیه امنیت نمی باشد. در حالی که هیچ کشوری نمی تواند مدعی شود که پرونده حقوق بشر کاملی دارد ولی موارد خاصی هستند که توجه کمیته سوم را بر می انگیزاند آن هم در مواردی که اغلب نقض حقوق بشر استمرار دارد. این برای جامعه بین المللی مهم است که بتواند در این قبیل موارد صحبت کند. کانادا همانند بسیاری از کشورهای دیگر کاملا حامی همکاری است ولی زمانی که یک کشور نشان میدهد که با شهروندانش برخورد درستی ندارد و با جامعه بین المللی همکاری نمی کند و ضرورت رفع وضعیت وخیم فعلی را نیز به رسمیت نمی شناسند جامعه بین المللی انتخاب دیگری ندارد جز اینکه نظر خود را اعلام دارد. قطعنامه پیشنهادی ما یک قطعنامه سرسری و همینطور نیست بلکه ۴۳ کشور بانی ارائه آن هستند و در بردارنده پیام مجمع عمومی است که وضعیت حقوق بشر در ایران را

فراموش نکرده و انتظار بهبود آن را دارد. یک رویکرد آئین نامه ای نباید مانع اعلام نگرانی مجمع و مانع اجرای صلاحیت ها و مسئولیت های این نهاد گردد و اعتبار مجمع را مخدوش سازد. در واقع به همین دلیل است که کانادا علیرغم اینکه معتقد است قطعنامه پیشنهادی از سوی ایران در مورد وضعیت مردمان بومی در کانادا فاقد مبانی مستند است ولی به دلیل این اعتقاد اصولی، به روش آئین نامه ای برای خروج قطعنامه متوسل نخواهد شد... (۱۳). نماینده کانادا پس از رای گیری و نظر منفی اکثریت کشورها به تقاضای ایران قبل از رای گیری به قطعنامه محتوای مجدداً بیانیه ای را قرائت کرده که در آن ادعاهای زیر آمده است: "... در قطعنامه حاضر سعی شده که متوازن مسائل ایران منعکس شود به این صورت که تلاشهای مثبت در سال ۲۰۰۶ به تصویر کشیده شده و از آنها استقبال گردیده در عین حال نگرانی های کلیدی مورد تاکید قرار گرفته اند و خواسته شده که برای بهبود وضعیت، مقامات ایرانی تلاش کنند. در مجموع ما معتقدیم که همه راهها را برای تحول باید به کار گرفت. قطعنامه فراروی ما نقش مهمی برای این رویکرد ایفا می کند. امید برجسته ما این است که توجه جهانی را به وضع حقوق بشر در ایران جلب کنیم و این قطعنامه موجب تسریع بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور شود. ما انتظار داریم ایران به تعهدات حقوق بشری خود که در گذشته آزادانه برابر اسناد بین المللی پذیرفته است عمل کند تا نیازی به این قطعنامه نباشد. تا آن زمان ما تاکید داریم که از قطعنامه حاضر حمایت شود" (۱۴). نماینده فنلاند هم از سوی اتحادیه اروپا بیانیه ای را قرائت کرده که توجه به ادعاهای مزبور نیز حائز اهمیت است: "... اتحادیه اروپا از اینکه کمیته سوم تصمیم به تصویب قطعنامه مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران گرفته است دلگرم شده است. ما معتقدیم که جامعه بین المللی نباید در مورد وضعیت هایی که حقوق بشر به طور مستمر و وسیع و فاحش نقض می شود و کشورهای مربوطه هیچ اراده ای بر جبران وضعیت یا دیالوگ واقعی ندارند، ساکت باشد. همه کشورها اعم از کوچک و بزرگ باید در قبال تعهدات خود پاسخگو باشند ... قطعنامه حاضر مبتنی بر قطعنامه های مصوب مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر در گذشته است. متن قطعنامه از برخی اقدامات مثبت جمهوری اسلامی در اجرای تعهداتش تا زمان جلسه حاضر استقبال می کند ولی در عین حال توجه به استمرار نقض های سیستماتیک و فاحش حقوق بشر همانند کاربرد شکنجه و سایر رفتارهای غیر انسانی از جمله اعدام ها و صدور حکم های رجم و تبعیض علیه زنان و اقلیتهای قومی و مذهبی - تبعیضی که در مواقعی به نظر می رسد به شکل قلع و قمع خشونت آمیز جلوه می یابد - نیز منعکس شده است... ما تاکید می کنیم که ایران به اصول پیشبرد حقوق بشر و آزادیهای اساسی شهروندان خود، صرفنظر از جنسیت (Gender)، جنس (sex)، مذهب، قومیت، عقیده و جهت گیری جنسی (sexual orientation) پایبند باشد. ما خواهان دیالوگ سازنده هستیم و امیدواریم تصویب پیش نویس حاضر به اجرای توصیه های ضمن آن و گشایش مسیرهای جدید همکاری منتهی و موجب بهره مندی بیشتر ایرانی ها از حقوق و آزادیهای اساسی اشان شود." (۱۵).

از حیث محتوایی، در قطعنامه مصوب ۱۹ دسامبر مجمع عمومی راجع به ایران، محورهای مختلفی وجود دارد که به طور خلاصه عبارتند از: استقبال از دعوت عام سال ۲۰۰۲ ایران از گزارشگران موضوعی حقوق بشر جهت بازدید از ایران و در عین حال اظهار تاسف از اینکه از جولای ۲۰۰۵ هیچ گزارشگری امکان بازدید از ایران پیدا نکرده است

ج) از حیث محتوایی، در قطعنامه مصوب ۱۹ دسامبر مجمع عمومی راجع به ایران، محورهای مختلفی وجود دارد که به طور خلاصه عبارتند از: استقبال از دعوت عام سال ۲۰۰۲ ایران از گزارشگران موضوعی حقوق بشر جهت بازدید از ایران و در عین حال اظهار تاسف از اینکه از جولای ۲۰۰۵ هیچ گزارشگری امکان بازدید از ایران پیدا نکرده است، ابراز نگرانی عمیق نسبت به آنچه آزار مستمر، تحقیر و بازداشت مدافعین حقوق بشر، سازمانهای غیر دولتی، مخالفین سیاسی، مخالفین مذهبی، وبلاگرها و اعضای اتحادیه صنفی نامیده شده است. همچنین اعلام نگرانی عمیق نسبت به آنچه کوتاهی مستمر اجرای استانداردهای بین المللی در دستگاه قضائی از جمله به طور خاص فقدان فرآیند مقتضی اجرای قانون، امتناع از فراهم سازی دادرسی منصفانه و علنی و منع حق دسترسی به مشاور حقوقی توسط بازداشت شدگان نامیده شده است. در ادامه سند مزبور نگرانی عمیق کرده اند نسبت به استمرار کاربرد شلاق، قطع

عضو و سایر اشکال شکنجه و دیگر رفتارهای غیر انسانی و موهن و همچنین کاربرد مستمر مجازات اعدام به صورت علنی، کاربرد خشونت و تبعیض علیه زنان و دختران و افزایش تبعیض و سایر نقض های حقوق بشر علیه اقلیتهای قومی و دینی. قطعنامه مزبور در ادامه از حکومت ایران خواسته که به حق آزادی تجمع ها، نظر، بیان، حق فرآیند مقتضی اجرای قانون در دادرسی ها، احترام گذاشته و منع کاربرد شکنجه، لغو اعدام های علنی و خشونت علیه زنان و دختران و همچنین منع تبعیض مبتنی بر مبانی زبانی، قومی و مذهبی را با جدیت دنبال کند. قطعنامه مزبور در پایان، آئین کارهای موضوعی شورای حقوق بشر و گزارشگران موضوعی را تشویق کرده که در اجرای وظایف خود ایران را به دقت تحت نظر داشته باشند و همچنین وضعیت ایران در اجلاس سال آتی مجمع نیز تحت همین آیتم بررسی شود (۱۶).

۳- طی ماههای اخیر در ساز و کارهای منطقه ای اروپایی نیز قطعنامه ها و بیانیه هایی در مورد حقوق بشر ایران تصویب و صادر شده است و یا ملاقات هایی با برخی مخالفین و منتقدین جمهوری اسلامی داشته اند که تحولات مزبور کم و بیش بازتاب خبری نیز پیدا کرده است. عجالتا اگر بنا باشد به آخرین اقدامات حقوقی نهادهای اروپایی اشاره شود ذکر قطعنامه پارلمان اروپا به عنوان نهادی که اعضای آن منتخب کشورهای مختلف اروپایی هستند، مفید می باشد: در چهاردهم نوامبر ۲۰۰۶ در پارلمان اروپا توسط گوستوکاتانیکا و آندره بری از سوی گروه پارلمانی NGL/CUE پیش نویس قطعنامه ای در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه شد که از حیث محتوا پس از ذکر چهار پاراگراف کوتاه مقدماتی، مطالب مورد نظر طراحان ضمن هفت بند ارائه شده است. پیش نویس مزبور در مدت زمانی کوتاه با پیشنهادات دیگری نیز روبرو شد که نتیجه آن پس از بررسی ۶ پیش نویس ظرف دو روز، تصویب قطعنامه ای در مورخ ۱۶ نوامبر ۲۰۰۶ (۲۵ آبان ماه ۱۳۸۵) توسط پارلمان اروپا با ۶۰ رای موافق و ۳ رای ممتنع و هیچ رای مخالف بود. قطعنامه پارلمان اروپا از حیث ساختار کلی با یادآوری هفت نکته شروع شده سپس مطالبی به صورت الفبائی در ۲۲ پاراگراف با تیتراهای موضوعی (وضعیت کلی، زندانیان سیاسی، تعقیب مجرمین نوجوان، حقوق اقلیتهای، آزادی عقیده، آزادی بیان، حقوق زنان، نقض حقوق دیگران، نقض تعهدات بین المللی) بیان گردیده آنگاه، در بخش آخر قطعنامه در ۲۷ بند تقاضاها و توصیه های اروپایی منعکس شده است. در قطعنامه یاد شده ابتدا با اشاره به قطعنامه های قبلی در مورد ایران و یادآوری تعهدات بین المللی ایران در زمینه حقوق بشر و با در نظر گرفتن دیالوگ حقوق بشری ایران - اروپا و مد نظر قرار دادن هشتمین گزارش سالیانه حقوق بشر شورای اروپا مربوط به سال ۲۰۰۶ مصوب ۱۷ اکتبر و با لحاظ بیانیه ریاست اتحادیه اروپا در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۵ در مورد دیالوگ حقوق بشری ایران - اروپا و با عطف توجه به نتایج اعلامی جلسات شورای اروپا در ۱۰ الی ۱۶ آوریل، ۱۵ تا ۱۶ می و ۱۷ جولای ۲۰۰۶ و بیانیه شورای اروپا در ۲۶ جولای ۲۰۰۶ در مورد آزادی بیان و بیانیه شورا در ۵ می ۲۰۰۶ در مورد حقوق بشر در ایران و بیانیه ۲۴ اوت شورا در مورد مرگ اکبر محمدی و زندانی منوچهر محمدی و بیانیه ۵ اکتبر ۲۰۰۶ شورا در مورد آزادی بیان، وارد بحثهای محتوایی شده اند. اهم ادعاهای مطروحه در قطعنامه عبارتند از:

- ادعای اینکه وضعیت آزادی های سیاسی و حقوق مدنی در سال گذشته در ایران پس رفت داشته است خصوصا پس از انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۰۵.
- بیان اینکه مسئولین ایرانی اعلام کرده اند که قوه قضائیه گزارشی را تهیه کرده در مورد نقض حقوق شهروندی و سوء رفتار با زندانیان ولی تدابیر لازم برای رفع آنها اتخاذ نشده است.
- ادعای اینکه در مورد رفتارهای خلاف با زندانیان، نوعی مصونیت برای مقامات رسمی همچنان ادامه دارد.

- ابراز نگرانی در مورد اینکه مرکز دفاع از حقوق بشر تاسیس شده توسط خانم شیرین عبادی از سوی حکومت غیر قانونی اعلام شده و این اقدام در اوت ۲۰۰۶ توسط رئیس جمهور تایید گردیده و توسط وزارت کشور تهدید صورت گرفته که در صورت ادامه فعالیتهای مجموعه

طی ماههای اخیر در ساز و کارهای منطقه ای اروپایی نیز قطعنامه ها و بیانیه هایی در مورد حقوق بشر ایران تصویب و صادر شده است و یا ملاقات هایی با برخی مخالفین و منتقدین جمهوری اسلامی داشته اند که تحولات مزبور کم و بیش بازتاب خبری نیز پیدا کرده است

مزبور با آنها برخورد خواهد شد.

- ابراز نگرانی عمیق در مورد گزارشات فزاینده مجازات اعدام نوجوانان با توجه به اینکه ایران بالاترین آمارهای اعدام مجرمین زیر ۱۸ سال را دارد.

- ادعای اینکه علیرغم تصریح در قانون اساسی در مورد شناسایی حقوق اقوام، در حد زیادی اقلیتهای مزبور امکان حق بهره مندی از زبان خاص خود را ندارند و طی ماههای اخیر که چنین تقاضاهایی را در اجتماعات علنی مطرح کرده اند به شدت با آنها برخورد و خیلی ها به زندان افتاده اند.

- ادعای اینکه بزرگترین اقلیت قومی در ایران آذری ها هستند و توسط کاریکاتور در یک نشریه دولتی به آنها در ماه می توهین شده و سایر اقلیتهای نیز تحت تبعیض هستند همانند کردها و ساکنین اطراف شهر اهواز که بنا به ادعای گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر راجع به مسکن مناسب، بسیاری از آنها در روستاهایشان فاقد مکان می باشند و برخی ها به زندان افتاده یا مجازات اعدام در مورد آنها صادر شده است.

- ادعای اینکه در مورد اقیتهای مذهبی غیر رسمی همانند بهایی ها و صوفی ها تبعیض و خشونت روا داشته می شود و حقوق بهایی ها در اشکال مختلف همانند دسترسی به تحصیلات عالی و حق مالکیت نقض می شود.

- ادعای اینکه حتی روحانیون مخالف نظام تحت خطر هستند و اینکه گواه این ادعا مورد آیت الله سید بروجردی که اخیرا در اکتبر ۲۰۰۵ به همراه طرفدارانش بازداشت شده می باشد.

- ادعای اینکه برخوردهای محدود ساز در مورد مطبوعات ادامه دارد و حداقل ۱۶ روزنامه نگار از اول سال جاری بازداشت شده و خانواده های آنها نیز آزار دیده و در مورد روزنامه نگاران محدودیت سفر اعمال و دیش های ماهواره ها توقیف می شوند.

- ادعای اینکه به نحو فزاینده ای فیلتر سایت های اینترنتی و نشریات آنلاین و وبلاگ های فرهنگی اجتماعی ادامه دارد.

- ابراز نگرانی در مورد عدم پذیرش کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان توسط ایران - ابراز نگرانی در مورد اینکه تظاهرات های مربوط به اصلاحات قانونی برای پایان دهی به تبعیض علیه زنان با برخورد قهریه روبرو و افراد زیادی بازداشت اگر چه بعدا آزاد شده اند

- اشاره به اینکه در سپتامبر ۲۰۰۶ رئیس جمهور ایران به نحو آشکار خواهان اخراج اساتید لیبرال و سکولار در دانشگاهها شده و در همین راستا به نحو فزاینده ای برخورد با دانشجویان و محرومیت تحصیل برخی از آنها ادامه یافته و قوه قضائیه تعدادی از دانشجویان را محاکمه و آنها را به زندان، جریمه و شلاق طی سال اخیر محکوم نموده است.

- ادعای اینکه مردم هنوز زندانی و گاه به دلیل جرایم جنسی اعدام می شوند از جمله در مورد فعالیت های جنسی توافقی میان اشخاص غیر مزدوج و هم جنس گرایان.

- ادعای اینکه در سال ۲۰۰۵ ایران دومین آمار بالای جهان را در اجرای اعدام (۲۸۲ مورد) داشته که ۱۱۱ مورد آنها بین ۲۰۰۵ و سپتامبر ۲۰۰۶ اجرا شده است به علاوه هنوز اشخاصی هستند که محکوم به اعدام از طریق رجم شده اند علیرغم دستور عدم اجرای رجم در دسامبر ۲۰۰۲ و به نحو قابل ملاحظه ای در این زمینه زنان به جهت جرایم سوء رفتار جنسی محکوم شده اند.

- عطف توجه به اینکه رئیس قوه قضائیه ایران در آوریل ۲۰۰۴ اعلام کرده که شکنجه باید منع شود و این امر بعد از تصویب در مجلس به وسیله شورای نگهبان نیز در می ۲۰۰۴ تایید شده است.

- ادعای اینکه در دسامبر ۲۰۰۶ که انتخابات مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای برگزار خواهد شد خیلی ها به دلیل رد صلاحیت نامزد نمی شوند.

- ابراز نگرانی عمیق در مورد عدم رعایت استانداردهای دادرسی، فقدان تضمین های فرآیند رسیدگی قانونی براساس موازین بین المللی.

اگر رویکرد اتخاذی ما
شناسایی علل و عوامل
تصویب اسناد جدید در
مورد ایران و سطح
تحلیل، حوزه بین المللی
باشد شاخص ها و
معیارهای ارزیابی از گذر
پاسخ دهی به مواردی از
قبیل پرسش های زیر
تعیین خواهد شد:

- ساز و کارهای بین المللی
مربوط به حقوق بشر کدامند
و صلاحیت های هر یک چه
مواردی است؟

- ترکیب افراد و اعضاء
نهادهای مزبور و نوع
کرایشات فکری آنها به چه
نحوی است؟

- نوع تاثیر گذاری
سیاستهای راهبردی
کشورهای عضو رای
دهنده در تصمیم گیری
موضوع مورد مطالعه به
چه میزان بوده است

- اشاره به اینکه ایران پس از چهارمین دور دیالوگ حقوق بشری بین ایران و اروپا در ژوئن ۲۰۰۴ خود را کنار کشید علیرغم اینکه طرف اروپایی طی سال قبل نیز تلاشهایی را به عمل آورد که دور پنجم برگزار شود.

- اشاره به اینکه روابط اروپا با ایران مبتنی بر رویکرد سه زمینه ای در مورد تجارت و توافقنامه همکاری، دیالوگ سیاسی و دیالوگ حقوق بشری بوده است و دیالوگ سیاسی نیز به دلیل مواضع فعلی ایران در برنامه هسته ای اش به تعلیق کشیده شده است.

- قطعنامه یاد شده پس از ادعاهای مزبور که در ۲۲ پاراگراف الفبائی مطرح گردیده به طور مشخص ضمن ۲۷ بند تقاضاها و تاکیدات خود را راجع به هر یک از ادعاها مطرح نموده است و در بخشهای مختلف سعی شده که با ذکر مصادیق و موارد مشخص، محورهای مورد اشاره قرار گیرند که نظر به تکرار بسیاری از محتوای موضوعی صرفا به چند تقاضای پایانی آن اشاره می شود:

- تقاضای از سرگیری دیالوگ حقوق بشری میان اتحادیه اروپا و ایران و تقاضا از شورا و کمیسیون اروپا برای نظارت دقیق بر تحولات در ایران و طرح موارد نقض حقوق بشر به عنوان شرط مبنایی ارتقاء روابط اقتصادی ایران و اروپا.

- استقبال از اولین بازدید هیئتی از مجلس ایران که از پارلمان اروپا در ماه اکتبر سال جاری دیدن کرد و اظهار امیدواری که مذاکرات ثمربخش بوده باشد و قطعنامه حاضر بخشی از دیالوگ مستمر میان ایران و اروپا بر مبنای ارزشهای مشترک مذکور در منشور ملل متحد و اسناد بین المللی تلقی شود.

- توصیه به رئیس پارلمان اروپا برای انعکاس قطعنامه حاضر به شورا و کمیسیون اروپا و حکومت ها و پارلمانهای کشورهای عضو، دبیر کل ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، رئیس دیوان عالی و دولت و پارلمان ایران (۱۷).

بخش دوم: ارزیابی و تحلیل تحولات مذکور در یک نگاه

الف) توجه به بایسته های روش شناسی به عنوان ضرورت علمی غیر قابل اجتناب:

۱- برای ارزیابی و تحلیل مصوبات بین المللی در زمینه حقوق بشر رویکردهای متنوعی را می توان اتخاذ نمود که هر یک فرآیند تحلیلی خاص خود را دارد و مبتنی بر شاخص ها و معیارهای متفاوتی بررسیها انجام می پذیرد. همچنین سطح تحلیل نیز الزامات خاص خود را دارد که مسیر حرکت و پروندهها را می تواند متفاوت سازد. مثلا اگر رویکرد اتخاذی ما شناسایی علل و عوامل تصویب اسناد جدید در مورد ایران و سطح تحلیل، حوزه بین المللی باشد شاخص ها و معیارهای ارزیابی از گذر پاسخ دهی به مواردی از قبیل پرسش های زیر تعیین خواهد شد:

- ساز و کارهای بین المللی مربوط به حقوق بشر کدامند و صلاحیت های هر یک چه مواردی است؟

- ترکیب افراد و اعضاء نهادهای مزبور و نوع گرایشات فکری آنها به چه نحوی است؟

- نوع تاثیرگذاری سیاستهای راهبردی کشورهای عضو رای دهنده در تصمیم گیری موضوع مورد مطالعه به چه میزان بوده است؟

- چه مقوله های کلان و چه مصادیق مشخصی در سیاستهای راهبردی کشورهای عضو نهادهای بین المللی رای دهنده بیشترین تاثیر را در اتخاذ موضع آنها ایفا نموده است.

- نقش جامعه مدنی کشورها در جهت گیری تصمیم نمایندگان حکومتی عضو مجامع مورد بررسی به چه میزان بوده است؟

- نقش برخی قدرتهای سیاسی جهانی در تصمیم گیری مثبت یا منفی کشورهای مورد مطالعه به چه نحوی بوده است؟

- نوع کنش و واکنش بین المللی کشوری که در مورد آن قطعنامه صادر شده است خصوصا در محور حقوق بشر به چه نحوی بوده است؟

آیا جامعه مدنی کشور و

اجزاء موثر آن از قبیل

نهادهای مدنی مستقل،

مطبوعات و روزنامه نگاران،

تشکلهای سیاسی،

صنعتی، دانشجویی،

گروههای اقلیت نقشی در

تبیین واقعیات داخلی

کشورشان پیدا کرده اند

یا به عنوان عناصر موثر

دفاع از مصالح کشور در

سطح جهانی حضور

چندانی نداشته و یا

اصولا به علل مختلف

خود منتقد بوده اند؟

- آیا سیاستهای راهبردی یا چالش های ساختاری یا خط مشی های اجرایی و یا تکنیک های عملی کشور هدف، در سطح بین المللی محرک تصمیم گیری مجامع مورد مطالعه بوده است یا خیر؟

در نگاهی دیگر اگر رویکرد تحلیلی مذکور با سطح تحلیل، حوزه داخلی انجام شود لازم است بررسی کنیم که:

- چه سیاستهای راهبردی، ابعاد ساختاری، خط مشی های اجرایی و عملکردهای مصداقی به طور مستقیم نقش علت یا عامل تصویب قطعنامه ها و یا برخی از مفاد آن را ایفاء کرده است؟
- چه اقدامات و یا ترک فعل هایی در سطح داخلی کشور مورد مطالعه، موجب شده که مجامع بین المللی ورود کنند و واکنش سیاسی یا حقوقی نشان دهند؟

- عملکرد چه افراد یا سازمانهایی در سطح داخلی به کیفیتی بوده که محرک تصمیم گیری های علیه کلیت حاکمیت یک کشور شده است؟

- آیا سازمانها و نهادهای رسمی داخلی که مسئولیتهایی در جهت پیشگیری از بروز محکومیت جدید در سطح بین المللی داشته اند نقش خود را با توجه به تجربیات قبلی و درسهای متعددی که در گذشته با هزینه های سنگین به دست آمده است به خوبی ایفاء کرده اند یا منفعل و خنثی و حتی بالعکس عمل کرده اند؟

- چه برداشتهایی از هنجارهای فرهنگی یا حقوقی در سطح ملی محرک مجامع بین المللی و کشورهای عضو آنها شده که ضرورت واکنش را بر خود لازم بدانند؟

- آیا جامعه مدنی کشور و اجزاء موثر آن از قبیل نهادهای مدنی مستقل، مطبوعات و روزنامه نگاران، تشکلهای سیاسی، صنفی، دانشجویی، گروههای اقلیت نقشی در تبیین واقعیات داخلی کشورشان پیدا کرده اند یا به عنوان عناصر موثر دفاع از مصالح کشور در سطح جهانی حضور چندانی نداشته و یا اصولاً به علل مختلف خود منتقد بوده اند؟

۲- ممکن است رویکرد تحلیلی، تفسیر ابعاد حقوقی اسناد بین المللی و بررسی آثار آن باشد که در این صورت معیارهای تعیین کننده برای ارزیابی درست، متفاوت با بند پیشین خواهد بود مثلاً لازم است بدانیم که:

- ماهیت حقوقی هر یک از اسناد بین المللی به چه نحوی است و چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

- تعهدات بین المللی و اسنادی که غالباً در مصوبات بین المللی بدانها اشاره می شود در بردارنده چه حقوق و تکالیفی هستند به عنوان نمونه وقتی در قطعنامه ای اشاره به میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده یا وقتی تقاضا شده که به کنوانسیون منع شکنجه یا رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان پیوندید یا به گزارش گزارشگر موضوعی اشاره شده است هر یک از اسناد یا مراجع مورد اشاره چه ظرایف حقوقی دارند؟

- نوع تنظیم عبارات قطعنامه های مصوب به چه نحوی است آیا برخی از عبارات بار حقوقی و آثار خاصی دارند مثلاً وقتی در سند مورد بررسی سخن از اعلام نگرانی شده

(Expresses its concern) و در بخش دیگر از واژه محکومیت (condemns) استفاده شده است و موارد مشابه دیگر، آیا اهمیت حقوقی در آنها نهفته است که باید شناسایی شوند؟

- مصوبات مورد بررسی از حیث حقوقی می توانند چه آثاری را در پی داشته باشند آیا آثار مزبور به دقت قابل تشخیص است یا احتمالی است؟

- برخی از عبارات که در اسناد بین المللی به کار می رود و ممکن است در ادبیات فرهنگی داخلی کشور هدف معانی خاصی داشته باشد آیا واقعا همان معانی مورد نظر تصویب کنندگان بوده یا معانی دیگری را مد نظر داشته اند مثلاً در همین بیانیه رئیس اتحادیه اروپا در مورد ایران قبل از رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل در یک جا صحبت از ضرورت رعایت آزادی های اساسی شهروندان صرفنظر از جنسیت، جنس، دین و مذهب، قومیت، عقیده و جهت گیری جنسی (sexual orientation) شده است. منظور از عقیده که جداگانه از دین و مذهب

چرا برخی از تحولات داخلی بیشتر مد نظر تصویب کنندگان اسناد بین المللی قرار گرفته و چرا بسیاری از تحولات دیگر مثبت یا منفی بازتابی نداشته است؟
- آیا در قبال موارد مبهم که شائبه نقض حقوق بشر را ایجاد می کند یا از حیث ابعاد مثبت اقدامات و تحولات داخلی ابهام و عدم اطلاع وجود دارد اطلاع رسانی مناسب صورت گرفته است؟ کارکرد نهادهای داخلی و دیپلماسی کشور مورد بررسی برای تبیین واقعیات و تعامل صحیح با مجامع بین المللی به چه نحوی بوده است؟

مورد اشاره قرار گرفته چیست یا منظور از جهت گیری جنسی دقیقاً چیست و چه ابعاد حقوقی می تواند داشته باشد؟

۳- گاه ممکن است رویکرد تحلیلی ما برای ارزیابی این باشد که صحت و سقم مستندات مورد اشاره در قطعنامه ها را بررسی کنیم و علت یابی یا انگیزه شناسی شود که چرا موارد ناصحیح در اسناد مصوب منعکس شده است. برای اجرای این رویکرد تحلیلی لازم است:

- دسترسی و وقوف بر اطلاعات مصداقی مورد اشاره در قطعنامه ها از جهت رعایت یا عدم رعایت حقوق بشر وجود داشته باشد و مبتنی بر اطلاعات دقیق، مورد به مورد ارزیابی شود که اصل ماجرا چه بوده و انعکاس آنها در اسناد بین المللی به چه میزان انجام شده است؟
- چرا برخی از تحولات داخلی بیشتر مد نظر تصویب کنندگان اسناد بین المللی قرار گرفته و چرا بسیاری از تحولات دیگر مثبت یا منفی بازتابی نداشته است؟

- آیا در قبال موارد مبهم که شائبه نقض حقوق بشر را ایجاد می کند یا از حیث ابعاد مثبت اقدامات و تحولات داخلی ابهام و عدم اطلاع وجود دارد اطلاع رسانی مناسب صورت گرفته است؟ کارکرد نهادهای داخلی و دیپلماسی کشور مورد بررسی برای تبیین واقعیات و تعامل صحیح با مجامع بین المللی به چه نحوی بوده است؟

- آیا در فرآیند علت یابی و انگیزه شناسی نوع عملکرد مجامع بین المللی از منظر رویکرد تحلیلی مورد اشاره، عملکردها و اسناد دیگر تطبیقی که راجع به کشورهای دیگر صادر شده است را بررسی کرده ایم که بتوان الگوهای رفتاری واحدی را استخراج کرد و احکام مشترکی را در داوری راجع به عملکرد نهادهای بین المللی تصویب کننده قطعنامه علیه کشور مورد نظر استخراج نمود؟

۴- گاه ممکن است رویکرد تحلیلی به کار رفته برای ارزیابی میزان تعارضات فرهنگی و ابعاد درک متفاوت از حقوق بشر بین کشورهای رای دهنده به قطعنامه یا هر سند بین المللی دیگر با کشور هدف باشد که در این صورت لازم است حداقل مستندات مشخصی را ارائه نماییم که چه درک متفاوتی از حقوق بشر یا کیفیت اجرای آن موجب شده که امری از دید جمعی از کشورها در قالب سندی بین المللی به عنوان مصادیق محکومیت کشور هدف تلقی شود در حالی که در کشور مزبور آن موضوع امری مستحسن محسوب می شود و یا بالعکس. همچنین لازم است بررسی شود که اگر مصداقی برای اثبات تعارضات فرهنگی و درک متفاوت از هنجارها در تصمیم گیری مجامع بین المللی علیه یک کشور معین وجود دارد آیا آنچه به عنوان باور فرهنگی بومی تلقی می شود کاملاً غیر قابل مناقشه است یا اینکه دهها برداشت علمی و قابل قبول فرهنگی در سطح داخلی راجع به آن وجود داشته و دارد ولی یک برداشت خاص مورد مخالفت مجامع بین المللی قرار گرفته است و این مخالفت به معنای تعارض بین دو نظام فرهنگی نیست و یا بالعکس برداشتی را به عنوان درک از حقوق بشر جمعی از کشورها بر آن پافشاری ورزیده اند که در سطح جهانی راجع به آن اجماع وجود ندارد و دهها برداشت دیگر نیز با مستندات علمی و حقوقی به نحو قابل قبول موجود می باشند مثلاً اینکه آزادی هم جنس گرایی را جمعی از کشورهای غربی لزوماً به عنوان یکی از مظاهر آزادی انسانی تلقی کنند در خود محافل مذهبی و حقوقی مغرب زمین نیز به شدت مورد مخالفت است و دلایل قوی علمی و حقوقی و انسانی بر این امر عرضه می شود فلذا تشخیص اینکه حد و گستره تعارض فرهنگی به چه میزان است و چه ابعادی دارد در نوع واکنش و ارزیابی نهایی تاثیر قطعی دارد.

ب) نمونه ها و اشاراتی برای تحلیل گران

۱- بیش از دو دهه شده که ایران در مقوله حقوق بشر با مجامع بین المللی کم و بیش چالش دارد و طی این سالها قطعنامه های متعدد و گزارشات موضوعی مختلفی با داوری منفی علیه ایران صادر شده است. بلاشک این میدان تجربه توأم هزینه های زیاد مادی و معنوی این انتظار طبیعی را ایجاد میکند که در کشور ما رویکردهای نظری قومی و تکنیک های عملی شایسته

برای رفع چالش مزبور وجود داشته باشد و پس از گذشت این همه سال، رویکردها و تکنیک های مزبور شکل اجماعی برای اجرا در گستره بین المللی پیدا کرده باشند به نحوی که بتوان اثر آنها را در اصلاح روند بین المللی یا توقف روند علیه ایران مشاهده کرد. اما آیا چنین است؟

سالهای اول گشایش چالشهای حقوق بشری علیه ایران در مجامع بین المللی عمدتاً موضع تقابلی و یا بی اعتنایی به اجرا در آمد. پس از پایان جنگ تحمیلی علیه ایران، رویکرد تعامل و حضور ایجابی در مجامع جهانی و ارائه گزارشات ملی در اجرای تعهدات بین المللی و پذیرش ناظران ویژه جهت سفر و بازدید از ایران آغاز شد، طی سالهای اخیر تعاملات گسترده تر شد و سفرهای مسئولین مجامع بین المللی حقوق بشر به ایران بیشتر که نتیجه آن توقف محکومیت ایران و پایان ماموریت گزارشگر ویژه در بهار سال ۸۲ بود (۱۸). چه عواملی موجب شدند تا طی دو ساله گذشته مجدداً محکومیت ها آغاز شود؟ آیا عوامل مزبور بین المللی بوده اند یا عمدتاً برخی عملکردهای داخلی زمینه ساز محکومیت های مزبور بوده است؟ طی ماههای اخیر همواره گفته شده که رویکرد کلی کشور در سطح بین المللی در مقوله حقوق بشر تهاجمی است بدین معنا که فقط منتظر سوال دیگران در مورد عملکرد خود نمی نشینیم بلکه موارد منفی عملکرد کشورهای دیگر خصوصاً غربی ها را بیان می کنیم و از آنها توضیح می خواهیم و به عملکرد آنها اعتراض می نمائیم، البته حساسیت در قبال موارد نقض حقوق بشر در سراسر جهان، هم جزو اصول سیاست خارجی ایران مصرح در قانون اساسی است و هم جزو اصول اعتقادی ما و هم جزو اصول مورد پذیرش جامعه جهانی که می گویند حقوق بشر مرز ندارد و می بایست در مورد رعایت حقوق انسانی در همه جا حساس بود ولی چرا اجرای این اصل مورد پذیرش جهانی، کمکی به حل چالشهای حقوق بشری ایران با مجامع جهانی نکرده است؟ آیا تشکیلات و هماهنگی لازم بین سازمانها و دستگاههای رسمی کشور نبوده است؟ آیا صرفاً فشار برخی قدرتها موجب تشدید چالشهای بین ایران و مجامع بین المللی حقوق بشر شده؟ آیا قبل از سال ۸۲ فشارهای مزبور نبوده و آیا مصادیق نقض حقوق انسانی که می توانسته در سطح جهانی مستمسک محکومیت کشور شود وجود نداشته که در آن مقطع متوقف شد و متعاقباً از سال بعد در مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً محکومیت ها آغاز گردید؟ همه این پرسشها حاوی نکات متعددی است که محققین خوبست در این خصوص تامل نمایند. اجمالاً برای این که دآوری های کارشناسانه دقیق تر انجام شود. برخی از داده های مربوطه مورد اشاره قرار می گیرد: اول دهه هفتاد شمسی یعنی چند سال پس از اتمام جنگ تحمیلی بنا به نظر جمعی نهادهای ذیربط و تصمیم ریاست محترم وقت قوه قضائیه برای هماهنگی و پیشبرد سیاستهای مورد نیاز کشور در عرصه مجامع بین المللی حقوق بشر، در معاونت بین المللی وزارت خارجه، ستاد هماهنگی حقوق بشر با عضویت نمایندگان سازمانها و نهادهای ذیربط تشکیل شد و تا سال ۷۷ در این حیطة ایفای نقش نمود. در سال ۷۸ و ۷۹ بنا به نظر رئیس جمهور وقت در یکی از نهادهای فرابخشی، کمیته ای از نمایندگان سازمانها و نهادهای مختلف و تعدادی از کارشناسان برجسته حقوقی ماموریت یافتند تا برای رفع چالش های ایران در عرصه بین المللی راجع به مقوله حقوق بشر، برنامه ریزی نمایند که نتیجه بررسی های مزبور مصوبه ای بود که اقدامات متعدد داخلی و بین المللی را در چارچوب قانون اساسی و مبانی فرهنگی کشور تجویز می کرد. به موازات این تلاش که آثار خود را در تصمیم گیری های دو سال بعد تا حدود زیادی نشان داد، در امور بین الملل قوه قضائیه، بنا به دستور ریاست محترم فعلی، ستاد حقوق بشر با عضویت جمعی از مسئولین قضائی و نمایندگانی از سازمانها و دستگاههای ذیربط شکل گرفت که تا اواخر سال ۸۴ به آن شکل وجود داشت و از اواخر سال گذشته ستاد مزبور با عضویت مقامات عالی کشور اعم از چند وزیر و چند مقام عالی رتبه دستگاه قضائی، فعالیتی جدید را در ساماندهی مقوله برنامه ریزی و هماهنگی کشوری راجع به حقوق بشر آغاز نموده است و از حیث ساختاری نیز ظاهراً از امور بین الملل قوه خارج و با

در سال ۷۸ و ۷۹ بنا به نظر رئیس جمهور وقت در یکی از نهادهای فرابخشی، کمیته ای از نمایندگان سازمانها و نهادهای مختلف و تعدادی از کارشناسان برجسته حقوقی ماموریت یافتند تا برای رفع چالش های ایران در عرصه بین المللی راجع به مقوله حقوق بشر، برنامه ریزی نمایند که نتیجه بررسی های مزبور مصوبه ای بود که اقدامات متعدد داخلی و بین المللی را در چارچوب قانون اساسی و مبانی فرهنگی کشور تجویز می کرد

مدیریت اجرایی جناب دکتر محمد جواد لاریجانی به نحو مستقیم زیر نظر ریاست محترم قوه قضائیه ایفای نقش می کند. طی سال جاری که قطعنامه های مورد اشاره در نوشتار حاضر در سطح بین المللی صادر شده در واقع تشکیلات هماهنگ کننده داخلی بین سازمانهای حکومتی وجود داشته است. خوبست عزیزیانی که در این حیطه ایفای نقش کرده اند برای امکان دآوری علمی محافل حقوقی عملکردهای خود را پس از گذشت قریب یکسال فعالیت، شفاف نمایند تا کارشناسان ارزیابی نمایند که آیا به عنوان یکی از عوامل چالشهای ماههای اخیر در سطح بین المللی، عدم وجود هماهنگی و تشکیلات ذریبط حکومتی و یا وجود آن ولی احیانا رویکرد نامناسب و غیر منطبق با نیازهای کشور بوده است یا عوامل دیگر را باید کاوید.

۲- یکی از مواضعی که معمولا در قبال قطعنامه های حقوق بشری مکرر در سطح داخلی مطرح می شود این است که بانیان قطعنامه ها با اسلام و اعتقادات اسلامی مشکل دارند و در واقع این تفاوت و تقابل هنجاری موجب می شود که قطعنامه ها و اسنادی علیه ایران صادر شود. خوبست علاقمندان به مباحث کارشناسی در این زمینه متن اسناد را بررسی کنند که چند درصد این فرضیه اثبات می شود (۱۹). به عنوان نمونه همین قطعنامه مفصل اخیر پارلمان اروپا وقتی مشاهده شود معلوم می گردد که چند مورد از مصادیق اشاره شده در واقع ایراد به عملکردهاست و در عمده موارد مزبور قواعد و موازین حمایتی لازم داخلی نیز وجود داشته است که احیانا بدرستی اجرا نشده یا این ذهنیت شکل گرفته که به اجرا در نیامده است. اگر این موضوع مهم منقح نشود هم سبب ارزیابی نادرست از طرف مقابل می شود و هم راه گریزی را فراهم می سازد که برخی مجریان امور به بهانه اینکه از اسلام و ارشهای اسلامی که مقبول اکثریت جامعه ایران است دفاع می کنند، عملکردهای خود را که برای کلیت کشور و مصالح عمومی هزینه های سنگینی در بردارد را غیر پاسخگو نمایند.

۳- نقش قدرت و سیاست در عرصه تعاملات بین المللی واقعیتی غیر قابل انکار است و این امر نیز غیر قابل انکار که هنوز نظم جهانی مبتنی بر عدالت و اخلاق شکل نگرفته و در خیلی موارد حقوق دول ضعیف تر در این گردونه مورد تضییع و تجاوز قرار می گیرد. توجه به این مهم قطعا در ارزیابی حقوقی اسناد بین المللی، نگرش واقع گرایانه تری را به دست می دهد (۲۰) ولی مهم این است که ابتدا تشخیص دهیم معیارهای قدرت هر کشور چیست آیا کشوری که در آن مردمسالاری در ابعاد مختلف وجود داشته باشد و مردم در همه امور موثر باشند و حقوق و آزادی های آنان محترم نگاه داشته شود و نهادهای مدنی قوی و مستقل و فعال بومی در گستره جهانی ایفاء نقش نمایند و رسانه های قومی و موثر بین المللی به اتکای آزادی بیان تثبیت شده در آن کشور به فعالیت خود ادامه دهند، قوی محسوب می شود یا کشوری که حاکمیت قانون در آن تثبیت نشده باشد، حاکمان به جامعه خود پاسخگو نباشند و نقد و انتقاد را امری که می تواند به کشور لطمه زند به حساب آورند و دانشگاههای آن در آن آزادی خواهی و پیشبرد حقوق مردم موج نزنند و نخبگان علمی همواره محتاط باشند که مبادا حرفی بزنند که به مذاق یکی از مراکز قدرت خوش نیاید و فعالین صنفی جرات اعتراض های معمول قانونمند مورد پذیرش در اسناد بین المللی را نداشته باشند. مسلما کشورهای گروه اول قدرتمندتر محسوب می شوند و در گستره بین المللی نیز میدان مانور و تحرک بیشتری را برای خود فراهم می آورند. تا این قدرت عظیم داخلی نهادینه نشود مجریان و نمایندگانی که در خط مقدم صحنه های بین المللی طرف چالش های مختلف قرار می گیرند حتی اگر سواد و قابلیت شخصی لازم را داشته باشند، حرفی برای گفتن و نفوذی برای تاثیرگذاری و اعتبار مناسبی برای بی اعتبار ساختن قدرتهای زورگو نخواهند داشت (۲۱) و راه باز است که دایه های مهربانتر از مادر برای جوامع مورد نظر خود با انگیزه های مختلف دلسوزی نمایند و در هر مجمع و فرصتی موجبات تحقیر مسئولین کشور مربوطه را فراهم سازند. امید آنکه هر یک از ما برای تحقق ارزشهای انسانی و دستاوردهای ادیان الهی در سطح داخلی و خارجی عالم و صادقانه و مخلصانه عامل باشیم. انشاءالله.

ارجاعات و پی نوشتها:

۱- قطعنامه موسس شورای حقوق بشر پس از بیان ملاحظات مقدماتی که حاوی نکات قابل توجهی است ضمن ۱۶ بند در مورد نحوه عملکرد شورا و تکلیف وظایف و اختیارات کمیسیون حقوق بشر که به نهاد جدید منتقل شده تصمصیم گیری کرده است. قطعنامه مزبور پس از مصوبات و گزارش های دیگر بین المللی از جمله اجلاس سران جهانی در سال ۲۰۰۵، گزارش دبیر کل سازمان ملل تحت عنوان به سوی آزادی و سیعتر، گزارش پانل عالی رتبه بررسی کننده تهدیدات چالشها و تحولات در سازمان ملل به تصویب مجمع رسید که برای درک مبانی سند یاد شده شایسته است اسناد قبلی مذکور نیز ملاحظه شوند.

۲- در مراسم افتتاحیه شورای حقوق بشر که مقامات عالی رتبه کشورهای مختلف جهان حضور یافتند وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت و سخنرانی داشتند. ایشان در سخنرانی خود ضمن انتقاد از هژمونی فرهنگی برخی کشورها و اصرار آنها بر یگانه سازی فرهنگی مشروعیت ساختارهای حقوق بشر و ضمن اشاره به موارد نقض حقوق بشر در گوانتانامو و ابوغریب اعلام داشته اند که در حیات فرهنگی، اجتماعی بشریت مدرن متاسفانه دیگر بودن (otherness) و تعلق به یک فرهنگ یا دین متفاوت منبع تهدید تلقی می شود. ایشان اضافه نموده که نباید به دو رویکرد "یکسان سازی فرهنگی" و "نظامی گری" اجازه داد که مسئولیت پیشبرد و حمایت از حقوق بشر را برعهده گیرند بلکه باید عدالت و معنویت به عنوان مبانی حقوق بشر مورد توجه قرار گیرند و شورای حقوق بشر در مورد توهین به ادیان حساسیت لازم از خود نشان دهد تا به وضع نهاد سابق خود دچار نشود و همچنین لازم است به موارد نقض حقوق بشر در فلسطین توجه لازم صورت گیرد. ر.ک به: release, H.R.Council ۲۲ June ۲۰۰۶, press

شایان ذکر است که جدای از سخنرانی وزیر امور خارجه ایران، شرکت نمایندگان دیگری از ایران از جمله آقایان دادستان عمومی و انقلاب تهران و سخنگوی قوه قضائیه نیز جلب توجه زیادی را در محافل مختلف در پی داشت و مخصوصا در مورد حضور دادستان تهران و اکنتشها و چالشهایی شکل گرفت که خود جداگانه قابل بررسی و تاام است.

۳- نشستهای عادی و ویژه شورا پس از افتتاحیه به شرح زیر بوده است:
نشست اول (۱۹ الی ۳۰ ژوئن) نشست دوم (۱۸ سپتامبر تا ۱۶ اکتبر و مجدداً از ۲۷ الی ۲۹ نوامبر)
نشست سوم (۲۹ نوامبر الی ۸ دسامبر ۲۰۰۶) و نشست چهارم که در آینده نزدیک برگزار می شود (۱۲ مارس الی ۵ آوریل ۲۰۰۷)
نشست های ویژه نیز به ترتیب: اولی در جولای ۲۰۰۶ راجع به وضعیت حقوق بشر در سرزمین های اشغالی فلسطین، دومی در اوت ۲۰۰۶ در مورد حمله به لبنان، سومی در نوامبر ۲۰۰۶ در مورد حمله نظامی اسرائیل در سرزمینهای اشغالی فلسطین و چهارمین نشست در دسامبر ۲۰۰۶ در مورد دارفور برگزار شده است.

۴- رویه ۱۵۰۳ در اصطلاحات تخصصی موازین بین المللی حقوق بشر به عنوان رویه رسیدگی به شکایات (complaints procedure) نیز شناخته می شود. شورای حقوق بشر در سی ام ژوئن ۲۰۰۶ تصمصیم شماره ۲۰۰۶/۱۰۲ را به تصویب رساند که برابر تصمصیم مزبور صلاحیت ها و حیطه عملکردی رویه مزبور کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به مدت یک سال تعدید شد تا شورا بررسی های لازم را برای آینده انجام دهد.
۵- (۳ March ۲۰۰۶) ۱۳A/NGO/۲۰۰۶/CN.۴/E

۶- کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۲۷ با ۱۲ عضو به عنوان رکن فرعی کمیسیون حقوق بشر ایجاد شد ابتدا نام نهاد مزبور کمیسیون فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها بود که در سال ۱۹۹۹ به کمیسیون فرعی پیشبرد و حمایت از حقوق بشر تغییر نام یافت. در حال حاضر نهاد مزبور مرکب از ۲۶ کارشناس مستقل از مناطق مختلف جهان می باشد که به عنوان یک مرکز فکری (think tank) مرتبط با حقوق بشر نیز توصیف می شود. برابر تصمصیم ۱/۱۰۲ سی ام ژوئن ۲۰۰۶ شورای حقوق بشر، ماموریتهای کمیسیون فرعی عیناً به مدت یک سال تعدید شده است.

۷- Question of violation of Human Rights and fundamental freedoms in all countries, ۱۴, August ۲۰۰۶.-Un Press Release, sub-commission considers

۸- برای ملاحظه گزارشات جدیدی که گزارشگران ویژه ناظر بر هر یک از سیزده کشور یاد شده ارائه کرده اند ر.ک به بخش اسناد رویه های خاص (special procedures) شورای حقوق بشر. ضمناً یادآوری می شود که پرونده ازبکستان اگر چه در رویه ۱۵۰۳ مطرح است ولی در سال ۲۰۰۵ به موجب قطعنامه R.۵/۲۰۰۵ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، برای نظارت ویژه بر کشور مزبور، میخائیل ریکارد تعیین گردیده است.

۹- ۶ October ۲۰۰۶/UN. Press release

۱۰- ترکیب کشورهای رای دهنده در مورد پیشنهاد ایران برای مسکوت گذاشتن رای گیری راجع به قطعنامه ایران عبارت بوده اند از: الف) موضع موافق با نظر ایران: افغانستان، الجزایر، آنکولا، آنتیگوا و باربودا، آرمستان، آذربایجان، باهاماس، بحرین، بنگلادش، باریبوس، بلاروس، بوتان، بونسوانا، برونی در اسلام، بوریکنافاسو، کامبوج، کامرون، چین، کومور، کنگو، ساحل عاج، کوبا، جمهوری دموکراتیک کره، جمهوری کنگو، جیبوتی، مصر، آریتره، گامبیا، کینه، هند، اندونزی، قزاقستان، کویت، قرغیزستان، جمهوری لائو، لبنان، لسوتو، لیبی، مالزی، مالدیو، مالی، موریتانی، مغرب، میانمار، نامیبیا، نیجریه، عمان، پاکستان، فیلیپین، قطر، روسیه، سانت لوسیا، عربستان، سنگال، سیرالئون، سومالی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، سوئدان، سریزام، سوئیلند، سوریه، تاجیکستان، تایلند، توگو، تونس، امارات، ازبکستان، ونزوئلا ویتنام، یمن، زامبیا، زیمبابوه و خود ایران.
ب) کشورهای مخالف با نظر ایران: آلیانی، آندورا، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بلغارستان، کانادا، شیلی، کاستاریکا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، دومینیک، اکوادور، السالوادور، استونی، فیجی، فنلاند، فرانسه، گرجستان، آلمان، یونان، لائویا، لیختن اشتاین، لوکزامبورگ، مالت، لیتوانی، جزایر مارشال، مکزیک، گواتمالا، هندوراس، نچارستان، ایسلند، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا،

ژاپن، میکرونزی، مولداووا، موناکو، مغولستان، مونتنگرو، نائورو، هلند، نیوزیلند، نیکاراگوئه، نروژ، پالائو، پاناما، پاراگوئه، پرو، لهستان، پرتغال، کره جنوبی، رومانی، ساموآ، سان مارینو، صربستان، اسلواکیا، جزایر سلیمان، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ماسدونی، تیمور شرقی، تونگوا، تووالو، اکراین، انگلیس، آمریکا، اروگوئه، وانواتو.

ج) کشورهای ممتنع: بلانز، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، برزیل، کپ وردا، کلمبیا، اتیوپی، غنا، گویان، هائیتی، جامائیکا، اردن، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، موریتوس، موزامبیک، نیال، نیجریه، کینه جدید پاپائو، رواندا، ترکمنستان، اوگاندا و تانزانیا. کشورهای غایب در رای گیری: بنین، آفریقای مرکزی، چاد، دومینیکا، کینه اکواتوریال، گابن، کینه بیسائو، عراق، لیبیا، سائیت کیتس و نویس، سانت وینست و گرنادینس، سان تومه و پرنسپ، ترینیداد و توباگو و ترکیه.

۱۱- ترکیب کشورهایایی که در مورد قطعنامه محتوایی علیه ایران رای داده اند عبارت است از:

الف) موافقین با قطعنامه: آلبانی، آندورا، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بلانز، برونزی، بلغارستان، کانادا، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، جمهوری دومینیک، اکوادور، السوا دور، استونی، فیجی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، گواتمالا، هندوراس، مجارستان، ایسلند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، کیرباتی، لاتویا، لیختن اشتاین، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالتا، جزایر مارشال، میکرونزی، مولداووا، موناکو، مونتنگرو، نائورو، هلند، نیوزیلند، نیکاراگوئه، نروژ، پائولو، پاراگوئه، پرو، لهستان، پرتغال، رومانی، ساموآ، سان مارینو، صربستان، اسلواکی، اسلوانی، جزایر سلیمان، اسپانیا، سوئیس، سوئد، ماسدونی، تونگا، تووالو، اکراین، انگلیس، آمریکا، وانواتو.

ب) مخالفین با قطعنامه: افغانستان، الجزایر، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، بلاروس، برونی دارالسلام، چین، کومور، کوبا، جمهوری کره شمالی، کنگو، جیبوتی، مصر، کینه، هند، اندونزی، قزاقستان، موریتانی، مغرب، نیجر، عمان، پاکستان، قطر، جمهوری روسیه، عربستان، سنگال، آفریقای جنوبی، سریلانکا، سوریه، تاجیکستان، توگو، تونس، ازبکستان، ونزوئلا، ویتنام، یمن، زیمبابوه و خود ایران.

ج) ممتنع: آنگولا، آنتیگوا و باربودا، باهاماس، بنین، بوتان، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، بوتسوانا، برزیل، بورتو کینافاسو، کامبوج، کامرون، کپ وردا، کلمبیا، کنگو، کاستاریکا، ساحل عاج، اریتره، اتیوپی، گرجستان، غنا، گویان، هائیتی، جامائیکا، اردن، نیجریه، پاناما، کینه جدید پاپائو، فیلیپین، جمهوری کره، رواندا، سیرالئون، سنگاپور، سیرالئون، موزامبیک، نیال، کنیا، لائو، لسوتو، ماداگاسکار، مالاوی، موریتوس، مکزیک، مغولستان، ترکمنستان، اوگاندا، امارات، تانزانیا، اروگوئه، زامبیا.

د) غائبین: جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، دومینیکا، کینه اکواتوریا، گابن، تیمور لسته، ترکیه، سومالی، کامبیا، گرانادا، کینه بیسائو، عراق، لیبیا، سانت کیتس و نویس، ترینیداد و توباگو، شیلز، سانت لوسیا، سانت وینست و گرنادینس، سان تومه و پرنسپ.

۱۲- ترکیب رای نهایی در مجمع عمومی ۷۲ موافق با قطعنامه، ۵۰ مخالف و ۵۵ ممتنع بوده است (شماره قطعنامه ۱۷۷/PV/RES/A نوزدهم دسامبر ۲۰۰۶)

۱۲- rights situation in Iran, New York, Nov. ۲۱, ۲۰۰۶. - Statement by Ambassador Mcnee to the ۳rd committee against a no action motion on the human

۱۳- متن کامل بیانیه مزبور در پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی نمایندگی کانادا در سازمان ملل منعکس شده است.

Jokinen, First Secretary, Permanent Mission of Finland to UN, ۶۱th session of UN, G.A. III Committee, agenda item ۶۷-۵ of Human Rights in the Islamic Republic of Iran (c) General statement after the vote on behalf of the European union by Janne Situation (۲۰۰۶/۱۱/۲۰).

۱۶- جدای از متن قطعنامه، برای ملاحظه خلاصه خبری محتوای آن رک به

۱۰۵۶۲. UN/GA/۱۹ Dec. ۲۰۰۶, Department of Public Information

برای تطبیق قطعنامه امسال مجمع عمومی با قطعنامه سال گذشته مجمع رک به قطعنامه مزبور که در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ به تصویب مجمع عمومی رسید و در مارس ۲۰۰۶ قابل دسترسی برای عموم در سایت سازمان ملل.

(YMarch, ۲۰۰۶/۱۷/۶۰/RES/A)

۱۷- برای ملاحظه اطلاعات مربوط به صلاحیت های پارلمان اروپا و متن قطعنامه های مختلف مورد اشاره رک به پایگاه اطلاع رسانی پارلمان اروپا (www.Europarl.europa.eu)

۱۸- برای ملاحظه مروری فشرده بر ابعاد تعاملات جمهوری اسلامی ایران با مجامع بین المللی حقوق بشر رک به مقاله ای از همین قلم تحت عنوان "آثار عملی دکترین جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر" فصلنامه کتاب نقد شماره ۳۶، پائیز ۸۴، صص ۲۰۳ الی ۲۵۳.

۱۹- برای ملاحظه مواضع مختلف برخی از دست اندرکاران امور رک به اخبار بخش فقه و حقوق خبرگزاری دانشجویان ایران، آبان و آذر ماه ۸۵.

۲۰- موضع مدیر کل امور بین الملل قوه قضائیه ایران در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۶ در بسیاری از رسانه های خبری جهانی بازتاب یافت که اعلام داشته بودند: پیش نویس قطعنامه حقوق بشر علیه ایران سیاسی است و حقوق بشر امروزه بهانه ای برای غرب و بلوک های سیاسی است در جهت اهداف بین المللی آنان.

۲۱- قابل تامل است که قطعنامه ۲۲ نوامبر که در مورد وضعیت نقض حقوق مردمان بومی و مهاجرین در کانادا از سوی ایران در مجمع عمومی به رای گذاشته شد فقط ۶ رای مثبت (بلاروس، کوبا، کره شماری، میانمار، سوریه و خود ایران) را در پی داشت و ۱۰۷ رای مخالف و ۴۹ ممتنع.